

● The Politics of Writing in Iran

(A History of Modern Persian Literature)

● By kamran Talattof

● Syracuse University Press, New York

● year 2000, 250 pp.

● سیاست نویسندگی در ایران

(تاریخچه ادبیات نوین فارسی)

● نوشته کامران تالطوف

● انتشارات دانشگاه سیراکوس، نیویورک

● سال ۲۰۰۰، ۲۵۰ صفحه

دکتر کامران تالطوف، استاد زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در دانشگاه آریزونا در کتاب سیاست نویسندگی در ایران بر الگوی تغییرات در ادبیات ایران تمرکز کرده و سعی دارد پیوند میان خلاقیت، جنبش‌ها، ایدئولوژی و زبان استعاری در آثار برجسته نویسندگان نوین فارسی زبان را تحلیل نماید.

کتاب که در دسته کتب ادبیات فارسی و مطالعات خاورمیانه جای می‌گیرد در شش فصل تنظیم و نگارش شده است. فصل اول یا مقدمه با عنوان «سیر دوره‌ای - الگویی برای فهم و درک تاریخ ادبی» می‌باشد. فصل دوم «فارسی‌گرایی: ایدئولوژی انقلاب ادبی در اهل قرن بیستم» و فصل سوم «ادبیات انقلابی: جنبش ادبی متعهد در دهه‌های قبل از انقلاب ۵۷» نام دارند. نویسنده در فصل چهارم کتاب به «انقلاب و ادبیات: طلوع جنبش ادبی اسلامی بعد از انقلاب ۵۷» می‌پردازد و در نهایت در فصل پنجم و آخرین فصل تحلیلی اثر به «گفتمان زن سالار در ادبیات زنان پس از انقلاب» روی کرده و در فصل ششم نیز ضمن نتیجه‌گیری و جمع‌بندی به اعمال الگوی سیر دوره‌ای در ادبیات عرب و ترک پرداخته و پیشنهادهایی را پیش رو می‌نهد.

دکتر تالطوف در این اثر ابتدا با معرفی الگوی سیر دوره‌ای سعی می‌کند چارچوب نظری مستحکمی ارائه نماید. بر این اساس و با استفاده از نظریات، منصور معدل سوسور و باختین الگویی برای بررسی تغییرات در ادبیات نوین ایران معرفی می‌کند. در این الگو، تغییرات ادبی ایران نه به

عنوان زنجیره‌ای پیوسته که به عنوان دوره‌هایی جداگانه و البته ملهم و مرتبط با هم بررسی شده‌اند.

در این تعریف، هر دوره از تاریخ ادبیات ایران به معنای خوشه‌ای از آثار ادبی برجسته - به لحاظ زیبایی شناسانه - است که تاریخ ادبی جامعه را به تصویر می‌کشد. عامل اصلی این تغییرات دوره‌ای، تغییرات ایدئولوژیکی، فرهنگی و نهایتاً اجتماعی ایران معرفی شده است. ادبیات نوین ایران در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم وارد دوران مدرنیته خویش شده و سعی می‌کند معیارهای هویتی و زیبایی شناسانه خود را تعریفی دوباره ببخشد. در این رهگذر، تल्प در فصل دوم کتابش به مبحث «فارسی‌گرایی»<sup>۱</sup> می‌پردازد. از نظر او «فارسی‌گرایی» ایدئولوژی است که الهام‌بخش نویسندگان برای نوشتن به سبکی جدید و به امید ورود به ادبیات نوین است. این امید و الهام به مضامین و درون مایه‌های آثار فارسی نیز رخنه کرده است. شواهد این بحث در آثار نویسندگانی همچون محمدعلی جمالزاده (فارسی شکر است)، صادق هدایت (بوف کور)، خسرو شاهانی (مرده کشی)، جلال آل احمد (سه تار) و نیما یوشیج (مانلی) تحلیل و بررسی شده است.

در فصل سوم کتاب به موضوع ادبیات متعهد و آثار آن دسته از نویسندگانی اشاره شده است که در پی دستیابی به اصلاح اجتماعی در متون خود به ترویج عقایدی خاص می‌پردازند؛ عقایدی که به ویژه در رابطه با تلاش‌های اصلاح‌گرای سیاسی و اجتماعی هستند. لذا نویسندگان چپگرا و مارکسیستی در این دسته و در برهه زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ قرار می‌گیرند. این دوره از تاریخ ادبیات ایران با تبعید رضا شاه شروع و با رواج مارکسیسم در ادبیات و تاجگذاری محمدرضا شاه به اوج می‌رسد. همین جنبش نقش اصلی را در باروری فرآیند اجتماعی ۵۷ بازی کرد که البته بعد از به ثمر رسیدن آن دچار افول شد. نویسندگان این دوره، شاه و حکومت‌اش را مسبب بی‌عدالتی‌ها و تضییع حقوق جامعه می‌دانستند که از آن میان می‌توان به هوشنگ گلشیری (عروسک چینی من)، صمد بهرنگی (ماهی سیاه کوچولو)، اشعار احمد شاملو و خسرو گلسترخی اشاره کرد. ادبیات زنان نیز در این دوره به طرح مسائل سیاسی و اجتماعی همچون عدالت اجتماعی و آزادی سیاسی پرداخت. از دیدگاه تल्प، زنان نویسنده این دوره اگر چه مسائل مرتبط با زنان را مطرح می‌کردند ولی این مطالب در بافتی مرد سالارانه و چپگرا ارائه می‌شد. از آن جمله می‌توان به سیمین دانشور (سووشون)، اشعار فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی اشاره کرد.

# THE POLITICS OF WRITING IN IRAN

## A HISTORY OF MODERN PERSIAN LITERATURE



۵۶۸

دوره سوم در سیر ادبیات نوین ایران، ادبیات اسلام‌گراست که در فصل چهارم کتاب به آن پرداخته شده است در پی انقلاب ۵۷ و سرنگونی رژیم گذشته و جایگزینی حکومت اسلامی، اجتماعات ادبی آن زمان از هم گسیخت. در نبود ادبیات متعهد که در فاصله سالهای ۵۵ تا ۵۷ به اوج خود رسیده بود ادبیات اسلامی رونق گرفت. این دوره از ادبیات ایران با آثاری پا گرفت که تماماً ملهم از وقایع جنبش‌های اسلامی و سیاست اسلامی و مفاهیم دینی بود. افول جنبش مارکسیستی و طلوع جریان‌های اسلامی در پی انقلاب ۵۷ زمینه را برای رشد و توسعه این نوع ادبیات مهیا کرد.

نویسنده از این نوع ادبیات با عنوان «ادبیات اسلامی مدرن» یا «ادبیات انقلاب اسلامی» یاد می‌کند. بعد از انقلاب ایران، تفکرات سیاسی اسلامی برای اولین بار اصلی‌ترین مضمون آثار تعداد زیادی از نویسندگان شد. در راستای تقویت و تثبیت این نوع ادبی، معیارهای زیبایی‌شناسانه همسو با ایدئولوژی حاکم ارائه و ترویج می‌شد. از جمله نویسندگان بحث شده در این فصل می‌توان به محمد نوری‌زاد (مرد و کربلا)، نصرت‌الله محمودزاده (مرثیه حلبچه)، محسن مخملباف (مرا بیوس و باغ بلور) در زمینه نثر اسلامی و آثار موسوی گرمارودی و طاهره صفارزاده در زمینه شعر اسلامی اشاره کرد. دوره پس از انقلاب نه تنها مسیر برای بروز و تحقق شیوه‌های نوین تولید فرهنگی و پیوند میان ادبیات و ایدئولوژی را مهیا کرد بلکه باعث شد



● دکتر کامران تلطف (عکس از علی دهباشی)

درون مایه آثار زنان نویسنده نیز بیشتر متوجه دغدغه‌های فمینیستی شود. لذا در این دوره مضامین فمینیستی و تمایز جنسیتی در آثار زنان نویسنده مورد بررسی بیشتری قرار گرفت و بدین سان گفتمان فمینیستی پا گرفت. «زنان بدون مردان» شهر نوش پارس‌پور و «سنگ‌های شیطان» منیرو روانی‌پور نمونه‌های از این دست اند. آثار بعد از انقلاب سیمین بهبهانی و سیمین دانشور نیز در مقایسه با آثار اولیه‌شان به خوبی نشان دهنده این تغییرات اند که در فصل پنجم کتاب به تفصیل بحث شده‌اند.

و اما در فصل ششم و نتیجه‌گیری این کتاب به جمع‌بندی دوره‌های مطرح شده در فصل‌های پیشین پرداخته شده است. از دیدگاه نگارنده، تغییر در بافت سیاسی اجتماعی جامعه منجر شده است که تغییرات در سیر ادبیات نیز دوره‌ای باشد. ایدئولوژی حاکم در هر دوره و تأثیرات سیاسی نیز عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جنبش‌های ادبی آن دوره معرفی شده‌اند. نویسندگان در هر دوره با استفاده از استعاره‌ها و تمثیل‌ها به انعکاس تغییرات در آثار خویش پرداختند.

در نتیجه فهم آثار هر کدام از این دوره‌ها نیازمند فهم کامل فرهنگ و ایدئولوژی حاکم و ارتباط متقابل اثر ادبی و ایدئولوژی است. البته تلطف معتقد است دوره‌ای بودن تاریخ‌نویس ادبیات ایران به این معنی نیست که هیچ پیوستگی در این دوره‌ها مشاهده نمی‌شود. بعضی مجازها و استعاره‌ها از دوران کلاسیک (همچون موارد مربوط به باغ و پیر) و بعضی مفاهیم

صوفی‌گری (همچون پیر و مرداد) و بعضی ارجاعات اسلامی (مثل واقعه کربلا) در دوره‌های مدرن ادبیات ایران نیز دیده می‌شوند. «شب» هنوز هم ایماژی قوی در تمام دوره‌هاست با این تفاوت که در هر دوره معانی و مفاهیم مرتبط با این مجازها و ایماژها تغییر کرده است.

نتیجه آنکه، در هر یک از دوره‌های ادبیات نوین ایران، یک ایدئولوژی حاکم بر نمونه‌های ادبی آن دوره اثرگذار بوده است و این نمونه‌ها (آثار نظم و نثر) نیز در عوض بر جنبش‌های اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند. بدین سان، مضمون، شخصیت‌پردازی و صنایع بدیعی آثار در هر کدام از این دوره‌ها به رویکردی خاص به مسایل اجتماعی و حتی خود ادبیات اشاره دارد. ادبیات در هر دوره به لحاظ ایدئولوژیکی تحدید شده و به لحاظ اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است.

خواندن این مطالعه تاریخی می‌تواند برای همه علاقمندان ادبیات نوین فارسی و همچنین محققان و دانشجویان مفید باشد چه سیر تاریخ ادبیات نوین ایران در کنار شواهد و نمونه‌های ارائه شده ترکیبی ارزشمند و مفید را منجر شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی